

گام های فوری و راستای دگرگونی ها

از برنامه حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائونیست)

بر پایه قدرت سیاسی کسب شده و در خدمت به تحولات اساسی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی پیش گفته، دولت نوین اقدامات فوری برای بهبود شرایط زندگی توده ها را سازمان می دهد.

....

در مورد دین و فعالیت های مذهبی

- 1 - جدایی کامل دین از دولت؛ آزادی اعتقاد یا عدم اعتقاد به خدا و دین.
 - 2 - لغو مذهب رسمی؛ ممنوعیت تفاوت های حقوقی بر حسب اعتقادات مذهبی، ممنوعیت ذکر مذهب افراد در اسناد رسمی؛ ممنوعیت تفتیش عقاید مذهبی افراد؛ مبارزه با هر شکل از ستم مذهبی.
 - 3 - برجسته شدن نهادهای کنترل ایدئولوژیک اسلامی در کارخانه ها، ادارات دولتی و موسسات آموزشی؛ برجیدن دستگاه سرکوب دادگاه های شرع و دوایر "امر به معروف و نهی از منکر".
 - 4 - کوتاه کردن دست موسسات مذهبی (بنیادهای مختلف اسلامی، آستان قدس، سازمان اوقاف و امامزاده ها (از عرصه اقتصاد و مصادره املاک، سرمایه ها و منابعی که در تملک و کنترل آنهاست).
 - 5 - ممنوعیت صدور فتوا از جانب مراجع مذهبی؛ تعقیب و مجازات متخلفان به ویژه در مواردی که صدور فتوا به لطمات جانی و روحی و مادی به مردم منجر شود.
 - 6 - قطع کنترل و مداخله دستگاه روحانیت در امر قانونگذاری، امور قضائی، زناشویی و عقد قراردادها.
 - 7 - لغو امتیازات فئودالی ویژه روحانیت نظیر حق امام و خمس و زکات. تمامی روحانیون و طلبه ها باید کار کنند و شخصا معاش خود را تامین نمایند.
 - 8 - حذف مواد درسی مذهبی از سطوح مختلف آموزشی؛ حذف تبلیغات مذهبی از رسانه های گروهی.
- این اقدامات، شالوده حاکمیت مذهبی را نابود می کند و نفوذ و موجودیت نهاد روحانیت را به مصاف می طلبد. این نهاد، بطور تاریخی از اقتصاد فئودالی و مناسبات عقب مانده ارتزاق کرده و یکی از سنگرهای مهم آن بوده است. سلسله مراتب درون روحانیت بر پایه مالکیت فئودالی شکل گرفت. تا قبل از استقرار جمهوری اسلامی، دستگاه روحانیت از نظر اقتصادی بر اجاره موقوفات، سود املاک تحت کنترل مراکز مذهبی، سیستم مالیاتی اسلامی و کمک های سرمایه تجاری به ویژه تجار سنتی متکی بود. به دنبال ایجاد رژیم مذهبی، منابع عظیمی از سرمایه و زمین و ثروتهای طبیعی از مجرای قدرت دولتی به پشتوانه دستگاه روحانیت تبدیل شد. نهاد روحانیت در راس فعالیت های سرمایه داری بوروکراتیک قرار گرفت و باندهای مختلف اقتصادی - سیاسی حول چند ده آخوند عالیرتبه تشکیل شد. آستان قدس رضوی، سازمان اوقاف، تشکیلات های اداره امامزاده ها و امثالهم به صورت گروه بندی های مالی بزرگ و کوچک در آمده اند. همه اینها بعنوان بخشی از برنامه ریشه کن کردن مناسبات کمپرادور - فئودالی از میان برداشته خواهند شد.
- جمهوری اسلامی با عملکرد خود، زمینه عینی مساعدی را برای جدایی قطعی دین از دولت به وجود آورده است. تجربه ای که توده های مردم با رنج و خون در رژیم مذهبی اندوخته اند، به شکلی زنده مفهوم حاکمیت دین و ربط قوانین و احکام دینی با تیره روزی و ستم و استثمار آنها را نشان می دهد. این تجربه، بار دیگر این حکم مارکسیستی را به اثبات رسانده که "دین افیون توده هاست". حتی اگر دین را رخت نو بپوشانند، به چهره اسلام رنگ و لعاب فرم گرائی و مدرنیسم بزنند و در چارچوب مذهب حقوق دمکراتیک و حقوق زنان بتراشند، باز هم هسته مرکزی آموزه های دینی که توجیه گر ستم و استثمار است دست نخورده باقی خواهد ماند.

مبارزه ایدئولوژیک با آموزه ها و بنیان های مادی تفکر دینی چه قبل و چه بعد از کسب قدرت سیاسی باید جریان یابد. رابطه متقابل و دیالکتیکی بین مبارزه سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک موجود است. بدون ضربه زدن به اصول پایه ای دین یعنی "جبر الهی" در تعیین سرنوشت انسانها، حلال بودن استثمار، مقدس بودن مالکیت خصوصی و خانواده پدرسالار نمی توان مناسبات انقلابی را مستقر ساخت. مبارزه ایدئولوژیک با افکار و عقاید اسارتبار مذهبی، بخشی لاینفک از روند تدارک انقلاب پرولتری و پس از آن روند ساختمان جامعه آینده است.

حزب کمونیست صراحتاً اعلام می کند که بی خداست و به هیچ نوع نیرو یا موجود ماوراء الطبیعه اعتقاد ندارد. برعکس، اعتقاد دارد که رهایی توده ها تنها می تواند با درک و بکار بست اصول کمونیسم انقلابی توسط آنها در تئوری و عمل حاصل شود. حزب کمونیست به نقد تفکرات دینی بر می خیزد و نشان می دهد که دین احساس عجز در برابر طبیعت و طبقات حاکمه را به توده ها القاء می کند و به جای اینکه ستمدیدگان را به نبرد انقلابی برای ریشه کن کردن فقر و فلاکت برانگیزد، دردهایشان را با داروی مخدر تسکین می بخشد.

بعد از کسب قدرت سیاسی، دامنه این مبارزه گسترش یافته و اهرم های بیشتری برای پیشبرد آن در اختیار طبقه کارگر قرار خواهد گرفت. اما دولت پرولتری نمی تواند و نباید افراد را به زور وادار کند که از اعتقادات مذهبی شان دست بکشند. بلکه باید همچنان بر سر این مساله به مبارزه ایدئولوژیک بپردازد و پیوند خود با توده ها را محکمتر کند؛ تا آنها در جریان ادامه انقلاب و تسلط هر چه بیشتر بر جامعه، نادرستی اعتقادات مذهبی خویش را دریابند و لاشه سنگینی که جامعه ارتجاعی و سنت های عقب مانده بر شان هایشان نهاده را به دور افکنند. بنابراین دولت در عین حال که از حق افراد در اعتقاد دینی دفاع می کند، بی خدائی را تبلیغ کرده و توده ها را بر مبنای جهانی علمی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم در تقابل با تمامی اعتقادات مذهبی آموزش خواهد داد. دولت در برخورد به فعالیت های متشکل مذهبی، بر حسب شرایط راه های متفاوتی در پیش خواهد گرفت. به هیچکس اجازه داده نخواهد شد که زیر قبای دین به فعالیت برای سرنگون کردن دولت پرولتاریا و استثمار توده ها بپردازد. در صورتی که فعالیتهای مذهبی ابزاری برای تبلیغ جنبشهای ارتجاعی یا پوششی بر استثمار دیگران، سرکوب توده ها و یا انباشت پول نباشد، تشکلات مذهبی از انجام مراسم خود منع نخواهند شد. آزادی فعالیت مذهبی به معنای برخورداری از امتیازات ویژه نیست. دولت امور مالی تشکلات مذهبی را زیر نظر می گیرد تا نتوانند امکانات مالی خود را به منبع سرمایه اندوزی و یا ابزاری برای جلب و جذب افراد تبدیل کنند. همزمان، در نظام آموزشی و رسانه های گروهی، آموزه ها و احکام و متون اسلامی و سایر ادیان مورد تجزیه و تحلیل ماتریالیستی دیالکتیکی و تاریخی قرار خواهد گرفت و نقد خواهد شد. یعنی سر منشاء تاریخی، نحوه تکامل و نقشهای گوناگونی که اسلام و سایر ادیان بازی کرده اند و به موازات آن، آموزه های "الهی" بطور کلی مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار خواهد گرفت. این یک مصاف انتقادی ضروری و بی وقفه و بخشی از روند مبارزه و اقصاء ایدئولوژیک در جامعه نوین است. این امر کم کم می کند تا توده ها بتوانند همگام با پیشرفت و تکامل انقلاب، قیود مذهبی و سایر موانع ذهنی و عینی را کنار بزنند و به کسب رهایی کامل خویش نزدیکتر شوند.